

رخصت

■ دیدار آشنا هم یک فرصت است برای عرض ارادت به ساحت مقدس مولای بی‌کفتمان حسین(ع).

■ دیدار آشنا قبل‌تر از این‌ها در حال و هوایی دیگر سیر می‌کرد اما از این شماره به بعد می‌خواهیم بایک حال و هوای دیگر عرض ارادت‌مان را به ولی عصر(عج) ابراز بداریم.

■ وقتی ما برای تهیه و تنظیم مطالب خودمان را به آب و آتش می‌زدیم در حال و هوای اسفند بودیم و یقیناً وقتی شما این مطالب را می‌خوانید یا محرمی است که بوی فروردین گرفته یا فروردینی که عطر محرم به خود گرفته است. در هر صورت از اینکه ما را به خانه دل‌هایتان راه دادید صفا می‌کنیم.

■ دیدار آشنا یک هیئت حسینی مکتوب است. یعنی مثل اینکه هر هفته شما با تمام وجود سعی می‌کنید به هیئت بروید ما هم سعی خواهیم کرد هر ماه علم این هیئت را بلند کنیم و آنوقت منتظر شما باشیم تا حالی بکنیم.

■ این بار وقتی علم هیئت را دستمان گرفتیم خیلی‌ها دلگرمی‌مان بودند ما هم از نفس‌ناز آنها توانستیم این هیئت مکتوب را تقدیمتان کنیم.

■ از همه بیشتر صالح محمدی امین، علی باباجانی، مهدی توکلیان و محمد امین محمدلو زحمت کشیدند که حسابشان با صاحب هیئت!

■ بگذارید یک حرف بی‌ریا و رک بزنم خیلی‌ها با بهانه نبودن موقعیت برای بیان حرف‌هایشان از بالیدن در عرصه‌های فرهنگی گریزانند.

■ ما می‌خواهیم به آنها بگوییم دیدار آشنا بعد از این به قلم شما زنده است اصلاً اگر آثار شما به دستمان رسید شماره بعد را چاپ می‌کنیم و الا شاید...

■ اما نه... ما آمدم که بمانیم. اصلاً بهار را برای آغاز کار شروع کردیم که همیشه تازه باشیم و محرم را آغاز سوز و سازمان رقم زدیم تا همیشه حسینی فکر کنیم و زینبی عمل نماییم.

■ باقی، بقای بچه‌های بسیجی!

■ یا علی